

## آیا پیامبر(ص) در کربلا حضور داشتند؟

۱۱ آبان ۱۳۹۴ ساعت ۱۷:۰۷

گروه‌های تکفیری همواره قیام عاشورا را زیر سوال برده‌اند در صورتی که بخش قابل توجهی از منابع اهل سنت از حضور معنوی رسول خدا(ص) در صحرای کربلا خبر می‌دهند.

گروه‌های تکفیری همواره قیام عاشورا را زیر سوال برده‌اند در صورتی که بخش قابل توجهی از منابع اهل سنت از حضور معنوی رسول خدا(ص) در صحرای کربلا خبر می‌دهند.

در اینکه رسول الله (ص) به عنوان اولین نفر در این امت، با یاد مصیبت سیدالشهداء(ع) برای او گریسته و عزاداری کرده، تردیدی وجود ندارد، اما به نظر می‌رسد که مطلب فراتر از این باشد.

حجت‌الاسلام رضا رفیعی، محقق و پژوهشگر علوم اسلامی در این باره توضیح می‌دهد:

برادران اهل سنت می‌دانند که با عزاداری و زیارت قبر شریف امام حسین (ع)، به سنت پیامبر (ص) عمل می‌کنند و سخن افراد نادانی چون بزرگان وهابیت که دین خود را به دنیا فروخته‌اند و در صدد تغییر ارزش‌های جوامع اسلامی هستند تا بدعت‌های خود را به نام سنت مطرح کنند، ارزشی ندارد و مغایر با سنت پیامبر(ص) است.

در اینجا با ذکر چند روایت از منابع معتبر تاریخ و حدیث، به حضور رسول خدا (ص) در صحنه کربلا، و عزادار بودن ایشان برای سیدالشهداء (ع) اشاره می‌کنیم تا بطلان عقائد فرقه ضالّه وهابیت بیش از پیش بر همگان روشن شود.

احمد بن حنبل (مسند احمد بن حنبل ۱/ ۲۸۳ و ۲۴۲) با دو سند صحیح از عمّار بن اَبی عمّار نقل کرده است که ابن عباس گفت: پیامبر (ص) را در خواب نیم‌روز دیدم که ژولیده و غبارآلود ایستاده بود و در دستش شیشه‌ای پر از خون بود. گفتم: پدر و مادرم به فدایت، ای رسول خدا! این چیست؟

فرمود: این، خون حسین و یاران اوست که پیوسته امروز مشغول جمع کردن آن بودم.

عمّار گفت: آن روز را به خاطر سپردیم و فهمیدیم که امام حسین(ع) در همان روز کشته شده است.

این روایت را ابن سعد، عبد بن حمید، طبرانی، حاکم نیشابوری، ابن عساکر و بسیاری از بزرگان اهل سنت نیز نقل کرده‌اند.

محمد بن عیسی ترمذی (سنن ترمذی ۲ / ۹۶۰)، و محمد بن اسماعیل بخاری (التاریخ الکبیر ۳ / ۲۷۶) با ذکر سند از «سلمی بنت سعد» نقل کرده‌اند که گفت: نزد امّ سلمه - همسر پیامبر - رفتم و دیدم گریه می‌آکند. گفتم: چرا گریه می‌آکنید؟ گفت: رسول خدا (ص) را در خواب دیدم و سر و روی ایشان خاک‌آلود بود. پرسیدم: یا رسول‌الله! چه اتفاقی افتاده است؟ فرمود: هم اکنون شاهد قتل حسین بودم.

ابن اعثم کوفی (الفتوح ۵ / ۹۷) در حوادث عصر تاسوعا نقل کرده است: امام حسین(ع) نشسته و سر به زانو، در خواب رفته بود. خواهرش زینب کبری (س) که هم‌همه سپاه دشمن را شنید، نزد برادر آمده و فرمود: برادر جان! آیا صدای سپاه دشمن را نمی‌شنوی که به ما نزدیک می‌شود؟ امام حسین (ع) سر برداشته و فرمود: خواهر جان! اینک جدم رسول خدا و پدرم علی و مادرم فاطمه و برادرم حسن علیهم السلام را در خواب دیدم که به من فرمودند: ای حسین! تو به زودی نزد ما خواهی آمد. خواهر جان! به خدا سوگند که وقت آن فرا رسیده است و شگی در آن نیست.

خطیب خوارزمی (مقتل الخوارزمی ۱ / ۳۵۳) و محمد بن جریر طبری (تاریخ طبری ۵ / ۴۱۶) نیز با اندکی تفاوت، همین مطلب را نقل کرده است.

ابن اعثم کوفی (الفتوح ۵ / ۹۹) در حوادث صبح عاشورا نیز نقل کرده است: چون هنگام سحر عاشورا فرا رسید، خوابی سبک امام (ع) را فرا گرفت. سپس بیدار شد و فرمود: آیا می‌دانید اکنون چه خوابی دیدم؟ پرسیدند: ای فرزند دخت پیامبر(ص)، چه دیدی؟ فرمود: سگ‌هایی را دیدم که بر من حمله‌آور شده‌اند و مرا پاره‌پاره می‌آکنند و در میان آنها سگی سیاه و سفید بود که بیشتر بر من می‌آخت و گمان می‌آکنم آن کسی که مرا خواهد کشت، مردی پیسی گرفته از این قوم باشد.

سپس جدم رسول خدا (ص) را - که جمعی از اصحابش همراه او بودند - دیدم که به من می‌آفرمود: پسر! تو شهید آل محمد هستی، اینک اهل آسمانها و اهل عالم بالاتر، مژده آمدنت را به یکدیگر می‌دهند، امشب افطار نزد من باش، بشتاب و تأخیر مکن؛ اینک فرشته‌ای از آسمان فرود آمده تا خون تو را در شیشه سبز رنگی قرار دهد. این است آنچه دیده‌ام و امر (الهی) در حال آمدن است و رفتن از این دنیا نزدیک شده‌ام و هیچ تردیدی در آن نیست.

خطیب خوارزمی (مقتل الخوارزمی ۱ / ۳۵۶) نیز این ماجرا را نقل کرده است.

ابوالفرج اصفهانی (مقاتل الطالبیین ۱۱۵) با ذکر سند از سعید بن ثابت نقل کرده است: زمانی که علی اکبر(ع) به میدان رفت، امام حسین (ع) چشمانش را به زیر افکند و گریست و فرمود: خدایا! تو بر علیه اینان گواه باش! اکنون جوانی به نبردشان می‌آورد که شبیه‌ترین مردم به رسول‌الله (ص) است. آن جوان پیوسته بر دشمن حمله می‌آورد و در خلال حملات خود به نزد پدر بازگشته و عرض کرد: پدر جان! تشنه‌ام.

امام حسین(ع) فرمود: عزیزم صبور باش که قبل از فرا رسیدن شب، رسول خدا (ص) با جام خویش تو را سیراب خواهد کرد و دوباره شروع به حملات پی در پی کرد تا اینکه تیری آمد و گلویش را شکافت و در خون خود غلتید. سپس فریاد زد: پدرجان! سلام بر تو باد. این جدم رسول خداست که به شما سلام می‌رساند و می‌فرماید: به سوی ما بشتاب؛ سپس جان سپرد.

خطیب خوارزمی (مقتل الخوارزمی ۲/ ۳۴) نیز این ماجرا را مفصّلتر نقل کرده است.

ابن عساکر دمشقی (تاریخ دمشق ۱۴/ ۲۳۷) با سند صحیح از علی بن زید بن جُدعان روایت کرده است: ابن عباس از خواب بیدار شد و «إنا لله و إنا إليه راجعون» گفته و سپس گفت: به خدا سوگند که حسین (ع) کشته شد. همراهانش گفتند: امکان ندارد ای پسر عباس.

ابن عباس گفت: رسول خدا (ص) را دیدم که شیشه‌ای از خون همراه داشت و فرمود: آیا نمی‌دانای که امتم پس از من چه کردند؟ پسر حسین را کشتند و این خون او و خون یاران اوست که به سوی خداوند، بالا می‌برم.

درست است که تعدادی از این موارد در خواب دیده شده، اما علاوه بر شیعیان، بزرگان اهل سنت نیز با روایات صحیح از پیامبر (ص) نقل کرده‌اند که فرمود: «هر کس مرا در خواب ببیند، خود مرا دیده است؛ زیرا شیطان به شکل من در نمی‌آید» (صحیح بخاری ۳/ ۱۴۱۵ و صحیح مسلم ۱۵/ ۲۴).

و اکنون بیش از ۱۳۰۰ سال است که امت رسول خدا (ص) به تأسی از ایشان، در سوگ امام حسین (ع) عزاداری می‌کنند و برای زیارت ایشان، خود را به کربلا می‌رسانند و مخالفان بی‌خبر از سنت پیامبر (ص)، برای محو کردن نام و نشان اهل بیت (ع)، این کار را بدعت می‌نامند.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۲۰۰۱/آیا-پیامبر-حضور-کربلا-ص-پیامبر-آیا/۱>